



رمضان (آداب و رسوم)

پدیدآورنده (ها) : رحیمی، فاطمه

ادیان، مذاهب و عرفان :: دانشنامه دانشنامه جهان اسلام :: جلد ۲۰ (الرشید - رهی معیری)

صفحات : از ۳۱۵ تا ۳۱۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1697004>

تاریخ داندود : ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی فرهنگ و آداب و رسوم مردم ایران و افغانستان با تکیه بر شعر فارسی
- ازدواج در ایران باستان: گونه شناسی و آداب و رسوم
- آداب و رسوم و اعتقادات عامه
- بررسی ویژگی‌های جهان زیرین و سفر به آن در چهار افسانه یزدی
- آداب و رسوم در تاریخ و تمدن ایران زمین
- مطالعه اقلیمی خشکی و خشکسالی در سیستان و بلوچستان
- اصفهان - چهل ستون
- موسیقی و ماوراءالطبیعه
- مضامین اساطیری در قصه «دختر و آهو»
- مرگ در بین النهرین باستان بر اساس متون کهن (اواخر هزاره دوم قبل از میلاد و اوایل هزاره ی اول قبل از میلاد)
- تجزیه و بازتولید فام‌های تشکیل‌دهنده رنگ آبی در کاشی‌کاری مساجد شیعی دوره صفوی با بررسی نمونه‌های موردی (مساجد علیقلی‌آقا، جامع اصفهان، شیخ لطف‌الله، امام و لنبان)
- میرزا محمد طاهر نصر آبادی

عناوین مشابه

- آداب و رسوم ملت های مختلف اسلامی در ماه رمضان
- آداب و رسوم ماه رمضان در دامغان
- ایران روزه‌دار؛ آشنایی با آداب و رسوم وطنی ماه رمضان
- تأثیر آداب و رسوم حکومت داری ایرانیان بر شیوه حکومتداری عباسیان
- بررسی تطبیقی آداب و رسوم اجتماعی در شاخه ایرانی شعر دوره صفوی
- از آداب و رسوم ملل (مراسم عید ژانویه در ژاپن)
- شعر و زندگی (بازتاب آداب و رسوم و سنن در ادب فارسی)
- آداب و رسوم قومی ؛ یک قانون عجیب در میان اعراب خوزستان
- منطبق نمودن کلاس درس مطالعات اجتماعی پایه سوم با آداب و رسوم بومی کرمانشاه
- آداب و رسوم ازدواج در میان اعراب خوزستان

تهیه می‌شد. این مواد و خوراکیها در مناطق و اقلیمهای مختلف با هم تفاوت داشتند، ولی به‌طور کلی شامل برنج، روغن، حبوبات به‌ویژه عدس، خرما، مغز گردو و بادام، کشمش، تخم‌مرغ و چای و قند و شکر و انواع نان و شیرینی و مربا می‌شدند (همان، ج ۱، ص ۲۴-۲۱؛ حجّیه، ص ۱۰۰؛ سلمان هادی طعمه، ص ۲۵۴؛ برای غذاهای رمضان به ادامه مقاله). یکی دیگر از سنتهای استقبال رمضان این بود که افرادی که به سببی از هم کدورت داشتند پیش از فرارسیدن ماه رمضان با هم آشتی می‌کردند (وکیلان، ج ۱، ص ۲۴). همچنین، برای بیان اصول و عقاید و احکام شرعی خاص این ماه، مبلّغان مذهبی به شهرها و آبادیها اعزام می‌شدند (همان، ج ۱، ص ۲۴-۲۶).

مراسمی نیز تحت عنوان «کلوخ‌اندازان» در روز آخر ماه شعبان یا چند روز مانده به رمضان برگزار می‌شده‌است که در آن، مردم در خانه‌های بزرگ‌ترها یا باغها و تفرجگاههای اطراف دور هم جمع می‌شدند و به شادی و سرور می‌پرداختند. خوراکیهای این روز مخصوص بوده‌است (صاعدی شیرازی، ص ۱۰۳؛ وکیلان، ج ۱، ص ۲۷-۳۳؛ شهری‌باف، ج ۳، ص ۳۰۵-۳۰۷؛ نیز به کلوخ‌اندازان*). نمونه دیگری از رفتارهای مردم در استقبال از رمضان، روزه پیشباز / پیشواز روزهای اول، وسط و آخر ماه رجب و شعبان بوده‌است. بعضیها هم یک تا سه روز قبل از رمضان، به عنوان پیشباز رمضان روزه می‌گیرند (شهری‌باف، ج ۳، ص ۳۰۵؛ وکیلان، ج ۱، ص ۳۳-۳۴).

رمضان با اعلام رؤیت هلال شروع می‌شود که مجموعه‌ای از آداب و رسوم عامیانه نیز حول آن شکل گرفته‌است (به رؤیت هلال*، بخش ۳).

پس از اعلان عمومی رؤیت هلال، مساجد و خیابانها و محلات و مراکز حکومتی چراغانی و آذین‌بندی می‌شدند و جشنهای مخصوص آغاز رمضان با اقامه اذان و نماز و تلاوت قرآن، ضرب طبلها و دهله‌ها آغاز می‌شد (به ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۷۸؛ سامرائی، ص ۱۳، ۱۵، ۱۷؛ وکیلان، ج ۱، ص ۳۹؛ برای برخی از آداب و رسوم و نیز جشنهای ویژه آغاز رمضان چون رکوب خلیفه با لباس و هیئتی خاص، قربانی‌کردن گوسفند و تقسیم گوشت آن میان نزدیکان و زیارت آرامگاهها و مقابر به قلّقتندی، ج ۳، ص ۵۰۵-۵۰۶؛ حسن عبدالوهاب، ص ۱۷-۱۸؛ سامرائی، ص ۹۵؛ پورکریم، ص ۲۸؛ عناصری، ص ۷۹).

حلول ماه رمضان فرصت مناسبی بود تا مردم، به‌ویژه ادبا و شعرا، پیامهای تبریک برای یکدیگر در قالبهای نظم و نثر ارسال کنند (برای نمونه به ثعالی، ج ۳، ص ۲۷۹؛ نیز به سامرائی، ص ۱۷-۲۱). اشکال و نمونه‌های دیگری از این تبریکها وجود داشته‌است. مثلاً، به گفته مقریزی (ج ۲، ص ۵۹۴-۵۹۵)،

منابع: ابن‌ابی‌الدین، فضائل رمضان، چاپ عبداللّه بن حمد منصور، ریاض ۱۹۹۵/۱۴۱۵؛ ابن‌بابویه، الامالی، قم ۱۴۱۷؛ همو، فضائل الاشرار الثلاثة، چاپ غلام‌رضا عرفانیان، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲؛ همو، کتاب من لا یحضره الفقیه، چاپ علی‌اکبر غفاری، قم ۱۴۱۳؛ همو، معانی الاخبار، چاپ علی‌اکبر غفاری، قم ۱۳۶۱؛ ابن‌رجب، لطائف المعارف فیما لمواسم العام من الوظائف، قاهره [۲۰۰۶]؛ ابن‌شاهین، کتاب فضائل شهر رمضان، چاپ سمیرین امین زهیری، زرقاء، اردن ۱۹۹۰/۱۴۱۰؛ ابن‌طاووس، اقبال الاعمال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۴-۱۴۱۶؛ ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، چاپ محمدفؤاد عبدالباقی، [قاهره ۱۳۷۳/۱۹۵۴]، چاپ افست [بیروت بی‌تا]؛ ابوریحان بیرونی؛ اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، در حاجی خلیفه، ج ۵؛ حاجی خلیفه؛ حرّعاملی؛ عبداللّه بن عبدالرحمان دارمی، سنن الدارمی، دمشق ۱۳۲۹؛ طباطبائی؛ طبرسی؛ طبری، جامع؛ طوسی، التنبیان فی تفسیر القرآن، چاپ احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت [بی‌تا]؛ همو، مصباح المتهجد، بیروت ۱۹۹۱/۱۴۱۱؛ محمدبن مسعود عیاشی، کتاب التفسیر، چاپ هاشم رسولی‌محلاتی، قم ۱۳۸۰-۱۳۸۱، چاپ افست تهران [بی‌تا]؛ محمدبن عمر فخررازی، تفسیر الفخرالرازی المشتهر بالتفسیر الکبیر و مفاتیح‌الغیب، بیروت ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛ محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۵؛ علی‌بن محمد قمی سبزواری، ذخیره‌الآخرة، همراه با کهن‌ترین ترجمه از ادعیه شیعه، چاپ محمد عمادی‌حائری، تهران ۱۳۸۳؛ کلینی (بیروت)؛ محمدتقی‌بن مقصود علی‌مجلسی، لوامع صاحبقرانی، المشتهر بشرح الفقیه، ج ۶، قم ۱۳۷۵؛ عبدالغنی‌بن عبدالواحد مقدسی، فضائل رمضان، چاپ عمار سعید تملّات، ریاض ۱۹۹۹/۱۴۲۰؛ احمدبن محمد میدانی، مجمع الامثال، مشهد ۱۳۶۶؛ نجاشی؛ احمدبن علی نسائی، سنن النسائی، بشرح جلال‌الدین سیوطی، بیروت ۱۹۳۰/۱۳۴۸.

/ محسن معینی /

۳) آداب و رسوم. رفتارهای اجتماعی و دینی و جشنی رمضان، متنوع و گسترده‌اند، و اغلب در بافتار عمومی رفتارهای جشنی اسلامی صورت می‌گیرند. ازجمله، رفتارهایی که در استقبال رمضان صورت می‌گیرد و آداب و رسوم رایج آن بسیار شبیه رفتارهای جشنی (به جشن*، بخش ۴، ج: رفتارهای جشنی) در اعیاد دیگر سال است. مثلاً، از نیمه‌های شعبان و چند روز مانده به رمضان به نظافت و آراستن خانه‌ها و اماکن عمومی به‌ویژه مساجد و زیارتگاهها می‌پرداخته‌اند. در دوره فاطمیان، قضات مصر سه روز مانده به رمضان به مساجد و آرامگاهها سر می‌زدند تا بر تهیه مایحتاج آنها برای ایام روزه‌داری نظارت کنند (به مقریزی، ج ۲، ص ۵۹۴). سنت خانه‌تکانی پیش از رمضان بین طبقات مختلف مردم رواج داشته و غیر از خانه‌ها، محله‌ها و بازارها و تکیه‌ها و مساجد را شامل می‌شده‌است (وکیلان، ج ۱، ص ۱۵-۱۸). معمولاً مایحتاج و خوراکیهای مصرفی در طول ماه نیز از قبل

خلفای فاطمی در اول رمضان برای همهٔ امرا و صاحب‌منصبان و نیز افراد خانوادهٔ آنها ظرف حلویی می‌فرستادند که در وسط آن کیسه‌ای پر از طلا بود و به «عُرّه رمضان» معروف بود. اعلام وقت سحر و بیدارکردن مردم برای سحری، باتوجه به وسعت و جمعیت شهرها به شیوه‌های گوناگون صورت می‌گرفت. اغلب، مؤذنان و جارجیان در چند نوبت از فراز مناره‌ها یا با دورزدن در کوچه‌ها و خیابانها، با صدای بلند مردم را بیدار می‌کردند و نیز نزدیک‌شدن زمان اذان را هشدار می‌دادند (کندی، ص ۲۰۱؛ حسن عبدالوهاب، ص ۴۷-۴۹). منادیان گاه با خواندن ابیات و ترانه‌هایی مردم را به خوردن سحری یا امساک دعوت می‌کردند (حجّیه، ص ۱۰۱؛ سلمان هادی طعمه، ص ۲۵۶-۲۵۷؛ مؤید محسنی، ص ۲۹۴-۲۹۵). برافروختن فانوس بر بالای مناره‌ها از دیگر راههای رایج برای آگاهانیدن مردم از زمان سحر بود. روشن‌بودن فانوسها نشانهٔ این بود که هنوز زمان اذان فرا نرسیده‌است و می‌توان خورد و آشامید و خاموش‌شدن آنها از پایان وقت سحری خبر می‌داد (ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۷۹؛ ابن جبیر، ص ۱۶۹-۱۷۰). نواختن طبل و شیپور (حجّیه، ص ۱۰۰؛ سلمان هادی طعمه، ص ۲۵۶؛ احمد امین، ذیل «المسحراتی»؛ مؤید محسنی، ص ۲۹۴)، کوبیدن در خانه‌ها (حسن عبدالوهاب، ص ۵۰)، شلیک توپ (ویلز^۱، ص ۱۳۶۸، ص ۳۲۷؛ وکیلان، ج ۱، ص ۵۲) و زدن بوق حمامها (وکیلان، ج ۱، ص ۵۱) از دیگر شیوه‌های اعلام وقت سحر در سرزمینهای مختلف بوده‌است.

روشهای قدیمی که برای آگاهی از وقت شرعی غروب و زمان افطار و گشودن روزه استفاده می‌شده تقریباً همان روشهای اعلام وقت سحر بوده که با پیشرفت ابزارها و وسایل اطلاع‌رسانی هر دوره، تغییر کرده و جای خود را به ابزارهای الکترونیکی و وسایل مجهز خبررسانی همچون رادیو و تلویزیون یا پخش اذان از بلندگوهای مساجد داده‌است. استفاده از علائم طبیعی همچون پرواز نوعی گنجشک هنگام غروب، نشانه‌گذاری خطوط ایجادشده در آسمان نزدیک غروب خورشید معروف به «سرخیا» یا «حمرهای کنارهٔ آسمان» نزد عامهٔ مردم که قصه‌ها و افسانه‌های خاص خود را داشته‌اند (همان، ج ۱، ص ۷۷-۷۸)، کاملاً منسوخ شده‌است.

یکی از موضوعات درخور توجه در ماه رمضان، سفره‌ها و مهمانیهای سحری و افطاری است. تقریباً در همهٔ ادوار اسلامی این رسم رایج بوده که امرا و خلفا و همچنین کسانی که نذوراتی داشتند، در مساجد یا مکانهایی خاص، سفره‌های افطاری و گاه سحری می‌گسترده‌اند (یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹۱؛ ابن طویر،

ص ۲۱۱-۲۱۲؛ قلقشندی، ج ۳، ص ۵۲۳)، به همین دلیل، در برخی از مساجد آشپزخانه‌هایی برای پخت غذا در ماه رمضان وجود داشت (ازدی، ص ۲۴۸) یا برخی از فرمانروایان در آغاز رمضان، مکانهایی را برای تهیهٔ غذاهای افطاری و سحری درنظر می‌گرفتند (سیوطی، ج ۲، ص ۹۶). در مصر دورهٔ فاطمی، «دارالفطرة» مکانی بود که در آنجا، انواع غذاها و شیرینیا و نیز ارزاق و مایحتاج موردنیاز مردم در ماه رمضان فراهم و میان مردم تقسیم می‌شد (ابن طویر، ص ۱۴۳-۱۴۶؛ قلقشندی، ج ۳، ص ۵۲۴-۵۲۵). ابن طویر (ص ۲۱۲) مبلغی را که برای سفره‌های ماه رمضان، در این دوره هزینه می‌شد، سه‌هزار دینار ذکر کرده‌است.

قائل‌بودن به ثواب بسیار در افطاری‌دادن طبق توصیه‌های مؤکد دینی و باور عمومی مبنی بر اینکه با این عمل ثواب روزه مهمانان به میزبان نیز می‌رسد، باعث می‌شد که بسیاری از اغنیا و مردمی که توانایی مالی بیشتر داشتند افطاری بدهند (ویلز، ص ۱۳۶۸، ص ۳۲۸؛ همو، ص ۱۳۶۳، ص ۲۵۹؛ وکیلان، ج ۱، ص ۷۹-۸۱). ابن بطوطه در سفر به دمشق، از امرا و قضات و بزرگانی یاد می‌کند که گروه‌های زیادی از مردم را برای سفره‌های افطاری دعوت می‌کردند، چنانکه هیچ فردی در شبهای رمضان به‌تنهایی افطار نمی‌کرد (ج ۱، ص ۱۲۰-۱۲۱).

بنابر توصیهٔ احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در گشودن روزه و خوردن «فطور» عجله می‌شود و بسیاری پیش از گزاردن نماز مغرب افطار می‌کنند (برای نمونه‌هایی از احادیث در تعجیل افطار - ابوداود سجستانی، ج ۲، ص ۷۶۳-۷۶۴؛ نووی، ج ۶، ص ۴۰۵-۴۰۶). در برخی از مناطق به فردی که موفق نمی‌شد در زمان مقرر روزه خود را بگشاید، گفته می‌شد «روزه جهودی شد» یا «روزه از کف رفت» (برای نمونهٔ این اصطلاح در سیرجان - مؤید محسنی، ص ۲۹۷). بنابر سنت نبوی، اغلب با خرما افطار می‌کنند (برای نمونه‌ای از سفارشهای پیامبر دربارهٔ افطار به خرما - کلینی، ج ۴، ص ۱۵۳؛ ابوداود سجستانی، ج ۲، ص ۷۶۴) و اعتقاد بر آن است که افطار با خرما ثواب فراوان دارد (شهری‌باف، ج ۳، ص ۲۹۱؛ وکیلان، ج ۱، ص ۷۹).

خوراکیهای مخصوص رمضان غذاهای متنوعی است و گرایش به نوع خاصی از غذاها متأثر از اوضاع اقلیمی هر منطقه و فصل در این ماه است. غذای افطار در بیشتر مناطق سبک و ساده بوده، و معمولاً از خوردن غذاهای پرحجم و سنگین پرهیز می‌شده‌است. خوراکیهای رایج افطار در یک جمع‌بندی کلی، افزون‌بر خرما عبارت‌اند از: نمک، نان جو و انواع دیگر نان،

1. Charles James Wills

قصایبها، نانوائیها و قنادیها بیشتر بود و معمولاً مراجعان بیشتری داشتند (کوهن^۱، ص ۳۳، ۱۵۶؛ آدامز^۲، ص ۲۹۵-۲۹۶).

در ماه رمضان میزان اعمال شروانه و فساد بسیار کاهش می‌یافت و مردم در حفظ حقوق یکدیگر توجه بیشتری می‌کردند. برای نمونه، در بقالیها و خواربارفروشیها، سنگهای کم‌وزن و ترازوهای سرک‌دار جای خود را به سنگهای تمام‌وزن و ترازوهای دقیق و حساس می‌داد (شهری‌باف، ج ۳، ص ۲۹۳)، کیفیت نان و گوشت به بهترین حد ممکن می‌رسید (همان، ج ۳، ص ۲۹۶-۲۹۸) و قیمتها تنزل می‌یافت یا ثابت می‌ماند (کوهن، ص ۱۸؛ شهری‌باف، ج ۳، ص ۲۹۳).

آیینها و مراسم خاص رمضان به دلیل رهیافتهای مذهبی و توصیه‌های اکید دینی مبنی بر تنعم از رحمت‌های الهی و منزلت و برتری یک شب از این ماه به ماههای دیگر، اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای داشته، چنان‌که در مناطق مختلف سرزمینهای اسلامی، شرکت در هریک از این رسوم و سنن به معنای بهره‌برداری از خوان گسترده الهی بوده‌است.

در ماه رمضان، در اغلب مساجد، تکایا و خانه‌های مردم مجالس ختم قرآن بر پا می‌شد (لحدخاطر، ج ۱، ص ۱۷۱؛ لین، ج ۳، ص ۴۸۲). خواندن کل قرآن در طول این ماه به‌منظور استفاده از برکات و ثواب آن و شادی روح اموات نزد عامه مسلمانان بسیار ارجمند و از توصیه‌های مؤکد بود (برای گزارشهایی از مراسم ختم قرآن در این ماه در مکه ← ابن‌جبر، ص ۱۷۵؛ ابن‌بطوطه، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۸۰). باورهایی در میان مردم درباره قرائت قرآن در این ماه رایج بوده‌است، مثلاً، قرائت برخی سوره‌ها همچون توحید، بینه، یاسین، یوسف، و الرحمن ثواب ختم قرآن داشت یا منجر به برآورده‌شدن حاجتها می‌شد. همچنین، در مراسم ختم قرآن، خواندن سوره توحید سهم هر شخصی می‌شد، معتقد بودند به زیارت حج یا بارگاه یکی از معصومین مشرف خواهد شد و گاه می‌بایست وی به حاضران نقل و شیرینی دهد (وکیلان، ج ۱، ص ۷۰؛ برای نمونه‌های دیگری از باورهای عامیانه مردم درباره خواندن برخی سوره‌ها در مجالس ختم قرآن ← همان، ج ۱، ص ۷۲-۷۰). گاه نیز با در نظر گرفتن نوبت افراد در قرائت سوره‌ها، بر سر نشستن در جایی خاص مشاجره در می‌گرفت (رضائی، ص ۴۹۳).

رسم سحرخوانی و مناجات‌خوانی و ریزه‌خوانی در شبها و سحرهای رمضان از دیرباز مورد توجه بوده و تقریباً در اغلب مناطق از دو سه ساعت پیش از اذان صبح شروع می‌شده‌است. در ایران پس از رواج تشیع، سحرخوانی یکی از ارکان اصلی در

شیر، آب جوش، نبات داغ، چای شیرین، انواع حلوا، برخی شیرینیها، مواد لبنی، سبزیجات، شله‌زرد، شیربرنج، انواع آش و شوربا و غذاهای محتوی حبوبات مخصوصاً عدس و انواع بلغور (وکیلان، ج ۱، ص ۷۹-۸۰). انواع حلوا از خوردنیهای رایج و معروف رمضان است که تقریباً در همه مناطق دیده می‌شود، ازجمله حلوای آرد گندم و حلوای نشاسته (در کربلا ← سلمان هادی طعمه، ص ۲۵۷)، حلوای خرما (در جهرم ← وکیلان، ج ۱، ص ۱۸۵)، حلوای شیر (در اصطهبانات ← همان، ج ۱، ص ۱۸۸)، حلوای نشاسته (در رفسنجان ← همان، ج ۱، ص ۱۹۷-۱۹۸)، حلوایی به نام حلوای رمضان (در لبنان ← لحدخاطر، ج ۱، ص ۱۷۳؛ برای برخی از شیرینیهای ویژه رمضان چون زولبیا و بامیه، کُنافه و قطیفه در ایران و نیز در برخی از سرزمینهای عربی ← مؤید محسنی، همانجا؛ حجیه، ص ۱۰۲؛ سلمان هادی طعمه، ص ۲۵۵؛ حسن عبدالوهاب، ص ۶۵-۷۳).

آشهای رمضان متنوع بوده که گاهی در برخی مناسبتهای این ماه، نامی خاص می‌گرفته‌است (برای نامها و مناسبتهای مختلف ← وکیلان، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۲؛ شهری‌باف، ج ۳، ص ۳۵۵-۳۵۶). در بسیاری از مناطق، پرهیزها و ملاحظات غذایی برای این ماه قائل می‌شدند. مثلاً، چون طبیعت روزه را سرد می‌دانستند، از غذاهای نفاخ کمتر استفاده می‌کردند و هنگام افطار قبل از صرف غذا، دم کرده بابونه یا خاکشیر با نبات می‌خوردند (مؤید محسنی، همانجا). همچنین از خوردن غذاهای چرب و شور به‌ویژه در سحر برای جلوگیری از تشنگی پرهیز می‌کردند (همانجا؛ علاوه بر غذاهای یادشده، برای فهرستی از غذاهای افطاری مثل دلمه، انواع کباب*، انواع کوفته که در سوریه و عراق نوعی از آن را «کُبه» می‌خوانند و بسیاری غذاهای دیگر ← سلمان هادی طعمه، ص ۲۵۷؛ شهری‌باف، ج ۳، ص ۳۵۳-۳۵۷؛ حجیه، ص ۱۰۱-۱۰۲). غذای سحری بیشتر مردم پختنی و گرم بود که شامل انواع آبگوشت، خورش، کباب، کوکو، برنج و غذاهای متنوع دیگر می‌شد (شهری‌باف، ج ۳، ص ۳۱۹-۳۲۸).

وضعیت کسب و کار در ماه رمضان رونق همیشگی را نداشته و تفاوت بسیاری با ماههای دیگر سال داشته‌است. دسته‌ای از مشاغل و اصناف که به‌نحوی تهیه مایحتاج روزانه این ماه وابسته به آنها بود، باینکه عصرها و شبها به فعالیت مشغول می‌شدند، عملاً کارشان سنگین‌تر و پررونق‌تر بود. مشاغل هم‌چون کشاورزی، آهنگری، خیاطی، نجاری، صحافی و از این دست، یک‌وقته می‌شدند و معمولاً تا ظهر یا پاسی از ظهر گذشته ادامه پیدا می‌کردند. در مقابل، کار بقالیها،

آداب مذهبی شد (نصری اشرفی، ج ۳، ص ۱۳۰). مضامین مناجات‌ها را غالباً سوره‌های قرآن و ادعیه مختلف و مطالبی در نعت حضرت رسول و ائمه اطهار و گاه اشعاری از صوفیه و بزرگان و نیز اشعار و ترانه‌های محلی تشکیل می‌داده‌است (شهری‌باف، ج ۳، ص ۳۱۳؛ نصری اشرفی، ج ۳، ص ۱۲۸؛ وکیلان، ج ۱، ص ۵۳-۵۴).

مناجات‌خوانها غالباً افرادی خوش صدا بودند که بر فراز مساجد و بامهای منازل و بلندیاها مناجات می‌کردند. سلاطین و رجال صفوی و قاجار، افراد خوش صدا و آشنا به رموز موسیقی را در دستگاه خود برای گفتن اذان و مناجات نگه می‌داشتند و به آنان مقرری می‌دادند (مشحون، ص ۲۳). در مساجد بزرگ نیز غالباً مؤذنان خوش‌آواز، مناجاتهای شبهای رمضان را به صورت فردی یا دسته‌جمعی می‌خواندند (همان، ص ۲۵؛ جاوید، ص ۲۹-۳۰). مناجات‌خوانان با استفاده از موسیقی مقامی هر منطقه، به جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و تأثیرگذار و استغاثه‌آمیز و همچنین مناسبتی الحان مناجات‌ها توجه داشتند. گاه، اهل فن به قضاوت درباره جنبه‌های هنری این مناجات‌ها می‌پرداختند که باعث ایجاد رقابت بین مناجات‌خوانها می‌شد (مشحون، همانجا؛ نصری اشرفی، ج ۳، ص ۱۲۸، ۱۳۱).

این مناجات‌ها غوغا و هیاهویی در سحرگاهان ایجاد می‌کرد و گاه شهرها یکپارچه بانگ و فریاد می‌شدند (شهری‌باف، همانجا).

منابع: ابن بطوطة، رحلة ابن بطوطة، چاپ محمد عبدالممنع عریان، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷؛ ابن جبیر، رحلة ابن جبیر، چاپ حسین نصار، قاهره ۱۹۹۲؛ ابن طویر، نزهة المقلّاتین فی اخبار الدولتین، چاپ ایمن فؤاد سید، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲؛ ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛ احمد امین، قاموس العادات و التقالید و التعابیر المصریة، قاهره ۱۹۵۳؛ یزید بن محمد ازدی، تاریخ الموصل، چاپ علی حبیب، قاهره ۱۹۶۷/۱۳۸۷؛ هوشنگ پورکریم، «ترکمنهای ایران (۲)»، هنر و مردم، دوره جدید، ش ۵۰ (آذر ۱۳۴۵)؛ عبدالملک بن محمد ثعالی، یتیم‌الدهر، چاپ مفید محمد قمیحه، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ هوشنگ جاوید، موسیقی رمضان در ایران، تهران ۱۳۸۳؛ عزیز جاسم حجه، بغدادیات: تصویر للحياة الاجتماعية والعادات البغدادية خلال مائة عام، بغداد ۱۹۶۷؛ حسن عبدالوهاب، رمضان، [قاهره] ۱۹۸۶؛ جمال رضائی، بیرجندنامه: بیرجند در آغاز سده چهاردهم خورشیدی، به اهتمام محمود رفیعی، تهران ۱۳۸۱؛ محمد سامرائی، رمضان فی الحضارة العربیة الاسلامیة، دمشق ۲۰۰۲؛ سلمان هادی طعمه، کربلاء فی الذاکرة، بغداد ۱۹۸۸؛ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، حسن المحاضرة فی تاریخ مصر و القاهرة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم،

[قاهره] ۱۳۸۷؛ جعفر شهری‌باف، طهران قدیم، تهران ۱۳۸۱؛ احمد بن عبدالله صاعدی شیرازی، حدیقة السلاطین قطبشاهی، چاپ علی اصغر بلگرامی، حیدرآباد، دکن ۱۹۶۱؛ جابر عنصری، «رمضان، در فرهنگ مردم اردبیل»، تاریخ و فرهنگ معاصر، سال ۳، ش ۳ و ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۷۳)؛ قلّشندی؛ کلینی (بیروت)؛ محمد بن یوسف کندی، کتاب الولاة و کتاب القضاة، چاپ رفن گست، بیروت ۱۹۰۸، چاپ افست بغداد [بی‌تا.]; لحداطر، العادات و التقالید اللبناّیة، بیروت ۲۰۰۲؛ حسن مشحون، موسیقی مذهبی و نقش آن در حفظ و اشاعه موسیقی ملی ایران، شیراز ۱۳۵۰؛ احمد بن علی مقریزی، المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار، چاپ ایمن فؤاد سید، لندن ۱۴۲۲-۲۰۰۲/۱۴۲۵؛ مهري مؤيد محسنی، فرهنگ عامیانه سیرجان، کرمان ۱۳۸۱؛ جهانگیر نصری اشرفی، نمایش و موسیقی در ایران، تهران ۱۳۸۳؛ یحیی بن شرف نووی، کتاب المجموع: شرح المذهب للشیرازی، چاپ محمد نجیب مطیعی، جده [بی‌تا.]; احمد وکیلان، رمضان در فرهنگ مردم، ج ۱، تهران ۱۳۷۰؛ چارلز جیمز ویلز، ایران در یک قرن پیش: سفرنامه دکتر ویلز، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، [تهران] ۱۳۶۸؛ همو، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه سید عبدالله، چاپ جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران ۱۳۶۳؛ یعقوبی، تاریخ؛

Isaac Adams, Persia by a Persian: personal experiences, manners, customs, habits, religious and social life in Persia, [Chicago] 1900; Amnon Cohen, The guilds of Ottoman Jerusalem, Leiden 2001; Edward William Lane, An account of the manners and customs of the modern Egyptians, London 1986.

/ فاطمه رحیمی /

رمضان، جنگ ← فلسطین

رمضان اوغوللری^۱، از خاندانهای حکومتگر ترکمان در منطقه چقوراووه^۲ (کیلکیه^۳) در جنوب شرقی آناتولی، از حدود اواسط قرن هشتم تا یازدهم. خاندان رمضان اوغوللری یکی از حدوداً بیست خاندانی است که در پی افول و فروپاشی حکومت سلجوقیان روم در اواخر قرن هفتم، در نواحی مختلف آناتولی سربرآوردند و غالباً حکومتی نیمه مستقل داشتند. آنان طولانی‌ترین دوره حکومت را بین خاندانهای آناتولی داشتند (د.ا.ترک، ج ۱۲، بخش ۲، ص ۲۸۰-۲۸۶). خاندان رمضان اوغوللری نیز مانند همه این خاندانها، که ملوک الطوائف خوانده می‌شدند، نام خود را به بیگ‌نشین (بیگلیک*) محل حکومتشان دادند

1. Ramazanoğulları

2. Çukurova

3. Kilikyia